

صبح زنگنه درباره تحولات سوریه پس از بشار اسد تاکید کرد

سخن گفتن از پایان بازیگری و نقش آفرینی ایران در سوریه خام اندیشی است



شهروند سوریه طی یک دهه گذشته به کانون بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. جنگ داخلی این کشور نه تنها از منظر انسانی و اجتماعی فاجعه‌بار بوده بلکه باعث بازتعریف و جابه‌جایی‌های عمده‌ای در معادلات سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه شده است. یکی از جنبه‌های پیچیده این بحران، تغییر در ساختار قدرت در سوریه و نیز نقش آفرینی بازیگران خارجی است. در حالی که در ابتدای جنگ، بشار اسد قدرت را در دست داشت، با گذشت زمان و افزایش دخالت‌های خارجی، وضعیت را در این کشور به شدت پیچیده‌تر کرد. درباره تحولات سوریه پس‌اسد با صباح زنگنه کارشناس مسائل بین‌الملل گفت و گو کرده‌ایم که متن کامل این مصاحبه در ادامه آمده است.



است که همچنان محل تنش است. این منطقه عملاً تحت حاکمیت ترکیه قرار داشت و هنوز هم قرار دارد، گروه‌های مسلح در این منطقه توسط ترکیه آموزش‌های نظامی، اجتماعی و فرهنگی دیده‌اند و با هیئت تحریر الشام دچار اختلاف هستند.

با توجه به مجموعه متنوع نیروها و جریان‌های صاحب قدرت در سوریه، آمریکا برای شکل دادن به ساختار سیاسی حاکم بر این کشور با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد.

منطقه دیگری که اهمیت زیادی دارد، قنيطرة و جولان است. این مناطق بخشی از جولان در اشغال اسرائیل بوده و بعد از خروج اسد و ورود تحریر الشام به دمشق، فرصت برای اسرائیل فراهم شد تا در این منطقه توسعه طلبی کرده و سرزمین‌های بیشتری را اشغال کند. این منطقه با توجه به اینکه منابع آبی دارد، زمینش حاصل خیز است و همچنین بسیار مرتفع است، یک موقعیت سوق‌الجیشی و استراتژیک پیدا کرده است. اسرائیل با اشغال این منطقه عملاً بر سایر مناطق شرق و شمال جبل‌الشیخ با ارتفاع ۲۸۰۰ متر که بلندترین ارتفاعات در سوریه و کل منطقه محسوب می‌شود، مسلط شده است. با این مجموعه تنوع نیروها و جریان‌های صاحب قدرت، آمریکا برای شکل دادن به ساختار سیاسی حاکم بر سوریه، طبیعتاً با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد.

مهم‌ترین پرسشی که در فضای کارشناسی مطرح است، آسیب‌شناسی رویکرد ایران در پرونده سوریه است. ارزیابی شما از سیاست‌های تهران در سوریه در قریب به چهارده سال گذشته چیست؟

جمهوری اسلامی ایران در کم‌کم به سوریه چند هدف را دنبال می‌کرد. ایران آمده بود تا مانع از فروپاشی دولت‌ها در منطقه شود. با تهاجم خارجی یا با جریان‌های افراطی مذهبی، عملاً هم نظام‌ها فرو می‌پاشند و هم وحدت و تمامیت سرزمینی در منطقه دچار مشکل می‌شود. همان‌طور که در حال حاضر دیده می‌شود، با ورود نیروهای افراطی مذهبی مسلح، عملاً اسرائیل به سرزمین‌های بیشتری از سوریه تجاوز کرده و آن را تحت

امروز با سوریه پس‌اسد رو به هستیم. فکر می‌کنید در صحنه سوریه جدید هرکدام از بازیگران چه جایگاهی را به خود اختصاص داده‌اند و چه تغییری در جایگاه آنها رخ داده است؟

در حال حاضر گروه‌های متعددی در سوریه حضور دارند که صاحب قدرت هستند. یکی از این گروه‌ها، کردهای سوریه هستند که با کردهای ترکیه و عراق بی‌ارتباط نیستند. اینها تشکیلات سیاسی و نظامی دارند که البته قبلاً هم خواهان ایفای نقش در حکومت سوریه بودند و به نوعی خودمختاری برای مناطق خودشان را دنبال می‌کردند. این نیروهای کرد که مخالف دولت ترکیه هستند ولی با کردهای عراق و ترکیه ارتباطاتی دارند برای خودشان صاحب تشکیلات هستند و مناطقی از سوریه را اشغال کرده‌اند. البته این نیروها فعلاً تحت مدیریت آمریکا قرار دارند. قدرت قابل توجه دیگر در اختیار گروه‌های داعش است که در شرق سوریه و مناطقی نفت خیز این کشور در نزدیکی مرز عراق حضور دارند. این نیروها هم عملاً با مدیریت آمریکا کنترل می‌شوند و از طریق حزب آزادپنجاه یادموکراتیک کرد و گاهی با استفاده از قبایل و عشایر عرب در منطقه مهارت تحت کنترل قرار می‌گیرند و طبق برنامه‌هایی که آمریکا مناسب می‌بیند به کار گرفته می‌شوند.

بخشی از قدرت در سوریه تحت اختیار هیئت تحریر الشام قرار دارد که متشکل از ۳۰ تشکیلات متفاوت و مختلف است که البته تفاهم کاملی با هم ندارند و هر کدام سیاست و روش‌های خود را اعمال می‌کنند. در بخش دیگری از سوریه هیئت تحریر الشام قرار دارد که متشکل از ۳۰ تشکیلات متفاوت و مختلف است که بعضی از این گروه‌ها همچنان جزئی از القاعده هستند و برخی دیگر تشکیلاتی افراطی مذهبی دارند که الان تحت مجموعه هیئت تحریر الشام قرار دارند. این تشکیلات که شامل حدود ۳۰ گروه مختلف می‌شود تفاهم کاملی با هیئت تحریر الشام ندارند و هر کدام سیاست و روش‌های خود را اعمال می‌کنند.

گروه دیگری که در سوریه صاحب قدرت است علوی‌های هستند که در غرب این کشور در منطقه لاذقیه، طرطوس و بانیا مستقر هستند. اینها تجربه حکومت ۶۰ ساله بر سوریه را دارند و حاضر نیستند به راحتی این جایگاه را از دست بدهند. گروه دیگر، نیروهای شیعه هستند که شاید جمعیتشان چیزی حدود ۸ الی ۱۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. این نیروها در منطقه حمص و اطراف منطقه زنبیبه قرار دارند و بخشی دیگر از آنها در حلب حضور داشتند که با آمدن هیئت تحریر الشام عملاً آواره شدند. گروه‌های شیعه نیز به دنبال کسب جایگاه خود در آینده سوریه هستند. استان ادلب منطقه دیگری

دسترسی به مدیترانه یکی از اهداف بلندمدت ایران محسوب می‌شود، همان‌گونه که قبلاً هم در تاریخ، ایران در سواحل مدیترانه حضور داشت. اما لبنان هم یکی از مناطقی است که چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب مورد حمایت ایران قرار داشته است. ایرانی‌ها همواره نسبت به لبنان و مردم آن احساس خوبشاوندی و دوستی می‌کنند و همیشه حاضر بودند به لبنان کمک بکنند، به خصوص وقتی که مورد تهاجم قدرت‌نژادپرست و اشغالگری مثل اسرائیل قرار گرفته باشد

اشغال خود در آورده است. ایران در سیاست هایش تاکید دارد نباید در منطقه تهاجم خارجی مانند آنچه آمریکا در زمان باراک اوباما و دونالد ترامپ، روسای جمهوری پیشین آمریکا انجام داد صورت بگیرد. ایران با این نوع اقدامات از خارج که به منظور تغییر رژیم است مخالف بوده و هست. ایران همچنین با تهاجم‌هایی از قبیل آنچه که اکنون شاهد آن هستیم مانند حمله نیروهای ادلب یا تشکیلاتی مانند هیئت تحریر الشام هم مخالف بود. از طرف دیگر به ایران مایل بود مناطق مقدس مذهبی مانند زنبیبه یا حرم حضرت رقیه از تعرض مصون بماند. از طرف دیگر به لحاظ سوق‌الجیشی و روابط تاریخی ایران با سوریه قدیم یا شامات قدیم، دسترسی به مدیترانه هم یکی از اهداف بلندمدت ایران محسوب می‌شود، همان‌گونه که قبلاً هم در تاریخ، ایران در سواحل مدیترانه حضور داشت. با همه این اوصاف زمان آن رسیده بود حمایت از دولتی که در بحران‌هایی مانند حمله صدام به ایران از کشور حمایت کرد و از ایجاد یک اتحاد عربی علیه ایران جلوگیری کرد صورت بگیرد.

دسترسی به مدیترانه یکی از اهداف بلندمدت ایران محسوب می‌شود، همان‌گونه که قبلاً هم در تاریخ، ایران در سواحل مدیترانه حضور داشت. اما لبنان هم یکی از مناطقی است که چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب مورد حمایت ایران قرار داشته است. ایرانی‌ها همواره نسبت به لبنان و مردم آن احساس خوبشاوندی و دوستی می‌کنند و همیشه حاضر بودند به لبنان کمک بکنند، به خصوص وقتی که مورد تهاجم قدرت‌نژادپرست و اشغالگری مثل اسرائیل قرار گرفته باشد. این مجموعه از اهداف مدنظر ایران بود اما اگر دقت کنیم، بعد مسافت سوریه از ایران و وجود یک کشور دیگر در این میان، تحقق همه این اهداف را در میان مدت دچار مشکل می‌کرد و همین‌طور هم شد. در حالی که ترکیه که خود را قریب ایران می‌داند و به دنبال احیای نوع عثمانی‌گری است با توجه به اینکه با سوریه هم مرز است و ورود نیروهای ترک به این کشور به آسانی و سرعت زیاد صورت می‌گیرد، شرایط بهتری را نسبت به ایران برای حضور در سوریه داشت. توجه ایران در سوریه عمدتاً به معطوف به حمایت‌های سخت‌افزاری بوده و توجه کافی به قدرت نرم در این کشور وجود نداشته است. نکته مهم بعدی این است که توجه ایران به سوریه، عمدتاً به حمایت‌های سخت‌افزاری معطوف بوده در حالی که در جهان معاصر آنچه که بیشتر کاربرد و تاثیر دارد و از سرعت و عمق بیشتری برخوردار است قدرت نرم کشورهاست. به نظر در این جهت کم‌کاری شد و توجه کافی به داشتن قدرت نرم متناسب با قدرت‌های سخت‌افزاری وجود نداشته است.

جمهوری اسلامی ایران در کم‌کم به سوریه چند هدف را دنبال می‌کرد. ایران آمده بود تا مانع از فروپاشی دولت‌ها در منطقه شود. با تهاجم خارجی یا با جریان‌های افراطی مذهبی، عملاً هم نظام‌ها فرو می‌پاشند و هم وحدت و تمامیت سرزمینی در منطقه دچار مشکل می‌شود. همان‌طور که در حال حاضر دیده می‌شود، با ورود نیروهای افراطی مذهبی مسلح، عملاً اسرائیل به سرزمین‌های بیشتری از سوریه تجاوز کرده و آن را تحت اشغال خود در آورده است.

منبع: ایرنا



سهم، نقش و جایگاه ایران در سوریه پس‌اسد

چهره‌هایی چون البومحمد الجولانی از داخل حاکمیت جدید و چهره‌های چون مسئول جدید سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مقام‌های ایالات متحده به عنوان بازیگران خارجی معتقدند که تهران دیگر جایگاه قبل را در سوریه نخواهد داشت هرچند مصباح زنگنه معتقد است خیلی زود است که چنین سخنانی گفته شود، چه آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها این سخنان رو بگویند و چه هیئت تحریر شام یا هر نیروی دیگری چنین سخنانی را مطرح کند، بیان این سخنان نشانه خام اندیشی است.

روابط تاریخی ایران سوریه با حضور یک سری نیروهای مسلح تندر و از بین نمی‌رود. ایران به اقتصاد، کشاورزی، آب و برق و حوزه‌های متعدد دیگری در سوریه کمک کرده است و مردم این کشور این خدمات را لمس کرده‌اند. مردم سوریه متوجه تعدد و تنوع خدمات ایران در کشور هستند. از لحاظ فرهنگی و اعتقادی هم ایران با مردم سوریه مشکلی نداشته ضمن اینکه برخی از رفتارهای حکومت سابق رونمی پسندید و سعی می‌کرد آن نظام را به نقض هاکمبود هایش واقف کند و ایزنی می‌کرد با سعی می‌کرد ایجاد فضای جدید فکری و اجتماعی را به دولت سوریه تذکر دهد، اما با مردم ارتباط‌های خیلی خوبی داشت. بنابراین پیشگویی درباره اینکه ایران دیگر نقشی در سوریه نخواهد داشت سخن ناپخته‌ای است.



ترکیه تعیین‌کننده معادلات نیست

بنابر نظر برخی کارشناسان به نظر می‌رسد که ترکیه معادله‌های بسیاری از دیگر بازیگران مطرح منطقه‌ای بخصوص عربستان، امارات، ایران و روسیه را در سوریه بر هم زده است. اما صباح زنگنه می‌گوید دوستان و برادران ما در ترکیه به زودی متوجه خواهند شد که شرایط چطور پیش خواهد رفت. برخورد با مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سوریه توسط یک دولت همسایه و پیامدهای عجیب مانند اشغال جنوب سوریه مسائل کوچکی نیستند که یک کشور به تنهایی نخواهد آن را مدیریت کند. هزینه‌هایی که این تحولات برای ترکیه خواهد داشت کم‌کم خود را نشان می‌دهد. مسائلی مانند حفظ ارزش پول سوریه، تامین آب شرب سالم یا تامین برق و بسیاری از مسائل دیگر، حضور ترکیه در سوریه سوال‌های زیادی را ایجاد خواهد کرد. آیا در ذهن مردم سوریه و مردم عرب اعم از عربستان، اردن، عراق، لبنان و فلسطین ذهنیت تکرار اشغالگری و سیطره حکومت عثمانی بر کشورهای عرب قابل قبول خواهد بود یا خیر. تحولات منطقه به اندازه‌ای متنوع خواهد بود که خیلی از ائتلاف‌ها و اتحادها در منطقه به هم خواهد خورد. قطعاً بسیاری از کشورهای منطقه با توجه به تحولات سوریه محاسبات جدیدی خواهند داشت و هر کدام امنیت خود برای آینده را مد نظر قرار خواهند داد.

